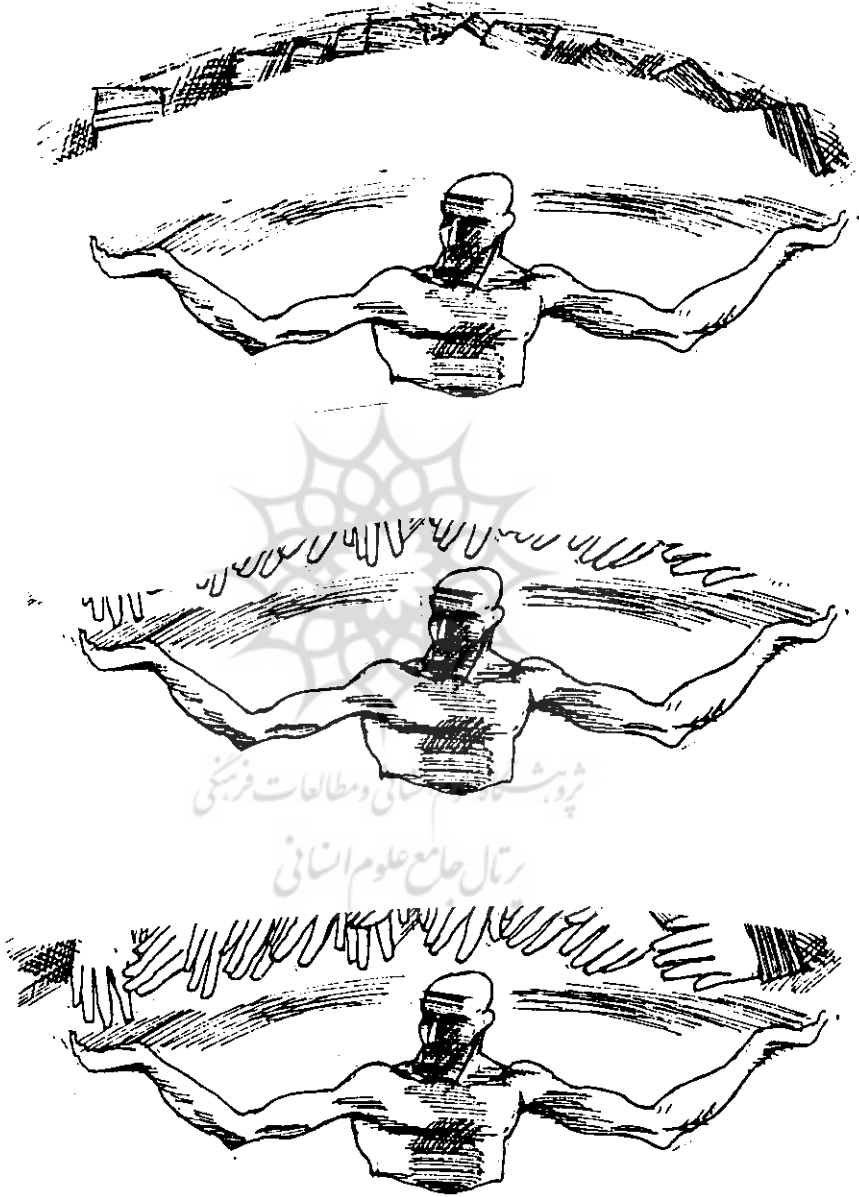


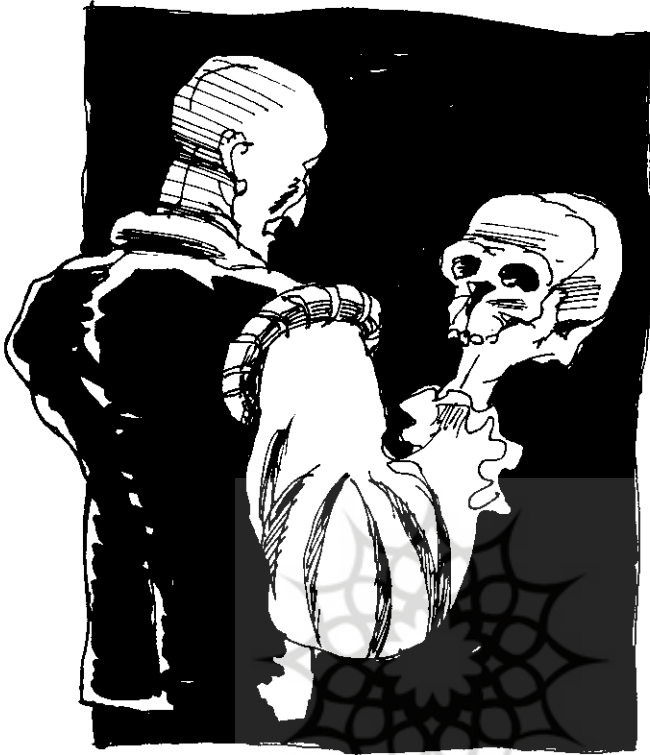
جمعیت و برخی مسائل نظری



جمعیت‌شناسی: مفاهیم، پیدایش و تکامل

دکتر حبیب‌الله زنجانی

جمعیت‌شناسی دانشی است نو، که از اندیشه‌های کهن نشأت گرفته است. این دانش ریشه در تفکرات اجتماعی دارد و پیدایش و شکل‌گیری این تفکرات نیز بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد به ظهور و شکل‌گیری تجمعات انسانی بر می‌گردد. در صورت اولیه این تجمعات، مخصوصاً وقتی که تعداد اعضای تشکیل دهنده آنها محدود بوده است افراد همدیگر را می‌شناخته‌اند، سن و جنس یکدیگر را تشخیص می‌داده‌اند و از نقش و موقعیت خود و دیگران در میان جمع آگاه بوده، با نوعی تقسیم کار اولیه و اداره امور نیز آشنا بوده‌اند. اغلب این افراد در طول حیات خود ازدواج می‌کرده‌اند، فرزندی به دنیا می‌آورده‌اند، از محلی به محل دیگر منتقل می‌شده‌اند و متوجه گذشت عمر (بالا رفتن سن)، پیری و سرانجام مرگ و نیستی افراد جامعه خود می‌شده‌اند. گرچه امروزه «جمعیت‌شناسی» نیز به مطالعه موضوعاتی از این دست می‌پردازد لیکن تا زمانی که این امور جنبه «فردی» داشته باشند در قلمرو «جمعیت‌شناسی» قرار نمی‌گیرند و نوعی اطلاع از «احوال شخصی» محسوب می‌شوند. در نوشته‌های پیشینیان به ویژه در آثار به جای مانده از متفکران یونانی نیز چنین نگرشی دیده می‌شود. آنها جمعیت‌شناسی را علم مطالعه جمعیت‌های انسانی می‌دانسته‌اند^۱. این بیان در صورتی که جمعیت‌های انسانی، گروه‌هایی متشکل



از افراد و دارای ویژگیهای خاص خود تلقی شوند به تعریف امروزی آن بسیار نزدیکتر است. در لغتنامه «چند زبانه جمعیت شناسی»^۲ که به سال ۱۹۵۸ از سوی قسمت جمعیت شناسی دفتر اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل منتشر شده است جمعیت شناسی را دانشی تعریف کرده‌اند که به مطالعه جمعیت‌های انسانی می‌پردازد و این مطالعه را عمدتاً با دید کمی در زمینه بعد جمعیت، ساخت جمعیت، تغییر و تحول جمعیت و ویژگیهای کلی آن صورت می‌دهد. از این دیدگاه جمعیت شناسی جنبه کمی و مقداری به خود می‌گیرد و کسانی هم که از این زاویه به جمعیت شناسی نگریسته‌اند آن را «علم آماری»^۳ و یا «علم ریاضی»^۴ جمعیتها دانسته‌اند. با تغییر زاویه دید، برخی از ابعاد جمعیت شناسی اهمیت بیشتری یافته و از این راه مباحث جدیدتری وارد قلمرو آن شده است.

جغرافی دانان بر توزیع جمعیت و تفاوت‌های قاره‌ای و منطقه‌ای آن^۵، جامعه‌شناسان بر ابعاد جمعیتی پدیده‌های اجتماعی، انسان شناسان به دگرگونیهای جمعیت‌های انسانی به ویژه از نظر دیرینه شناسی

جمعیت «Paleodemography»^۶، اقتصاددانان، بر توانهای اقتصادی جامعه، تولید و توزیع کالاها و خدمات و متخصصان توسعه بر نقش دوگانه جمعیت به عنوان «برانگیزنده» و «بازدارنده» توسعه پرداخته‌اند. هر چه زمان به عصر ما نزدیکتر شده بر جنبه‌های کاربردی جمعیت شناسی افزوده شده است و به تبع آن، نگرشهای کمی که در آغاز بستر توسعه و تکامل جمعیت شناسی بوده‌اند با نگرشهای کیفی درهم آمیخته و دانشی نو با ویژگیهای خاص خویش به وجود آورده‌اند.

این علم که در آغاز بیش از هر چیز با فنون آماری قرابت و نزدیکی داشت، امروزه ضمن برخورداری از یافته‌ها و پیشرفتهای فنی آن، به یکی از ابزارهای مهم برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده و نقش کلیدی یافته است.

استفاده از جمعیت شناسی در برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی و افزایش روزافزون قلمروهای کاربردی آن، تحلیل جمعیت و شناخت ویژگیهای آن را الزامی ساخته و هر چه بر دامنه کاربردی آن افزوده شده شناخت ویژگیهای جمعیت اهمیت بیشتری یافته است و به موازات آن روشهای تحلیلی دقیقتر و جامعتری مطرح شده و با گذشت زمان بر غنای آنها افزوده شده است. توسعه دانش انفورماتیک افقهای تازه‌ای را در این زمینه گشوده و امکان مقایسه، تحلیل و نتیجه‌گیریهای جامعتری را فراهم ساخته است. به موازات آن سازمانهای پژوهشی و بین‌المللی مربوط به جمعیت نیز اقدامات مهمی را در زمینه‌نهایی کردن تعاریف، مفاهیم و مبادله یافته‌های تحقیقاتی به عمل آورده و با تشکیل بانک داده‌های جمعیتی، تأسیس انجمنها و فراهم کردن گردهماییهای علمی و فنی، نقش ارزنده‌ای را در انتقال نوآوریها به عمل آورده و امکان استفاده از آنها را در سراسر جهان انجام‌پذیر ساخته است.

در توسعه دانش جمعیت شناسی باید ضمن تأکید بر نقش متفکران و صاحب‌نظران در ایجاد و هموار ساختن بستر مطالعات علمی و فنی آن، بر تغییر دیدگاههای سیاسی از یک سوی و افزایش تعداد جمعیت جهان و کشورهای مختلف از سوی دیگر نیز اشاره کرد. چه در واقع، توجه به جمعیت و جمعیت شناسی از زمانی جنبه ملموستری یافت که تعداد جمعیت جهان به سرعت رو به افزایش نهاد و این افزایش نیز حداقل در یک دوره نسبتاً طولانی مهارناپذیر شد، تفکر برای تأمین نیازهای اساسی چنین جمعیتی به تغییر نگرشهای سیاسی درباره جمعیت انجامید و تلاشهای گسترده‌ای را چه در جهت برنامه‌ریزی برای تأمین آن نیازها و چه در جهت کنترل تعداد و بهبود ساخت و ترکیب جمعیتها مطرح ساخت. در کنار گردهماییهای محدودتر علمی و فنی و تخصصی اجلاسهای بین‌المللی وسیعتری را تدارک دید که در آنها

**جمعیت‌شناسی، بیشتر به آینده نظر دارد
و به عبارت دیگر، به آینده‌نگری می‌پردازد
لکن بر همان اساس می‌تواند گذشته را نیز بازسازی کند
و با پیوند زدن بین گذشته و آینده، روند تحول جمعیت‌ها را به دست آورد.**

مسئولان اجرایی کشورهای جهان در کنار متخصصان و کارشناسان به طرح موضوعات مختلف مربوط به جمعیت پرداختند و راه‌حلهایی را تحت عنوان برنامه‌های اقدام جهانی^۷ مطرح ساختند. توفیق نیافتن این برنامه‌ها حداقل در برخی از زمینه‌های مهم و تعیین‌کننده آنها، که اولی به سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۴) در بخارست و دومی ده سال بعد از آن در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴) در مکزیکو (تدوین و برای اجرا به کشورهای جهان توصیه شد به این واقیعت ارزشمند دست یافت که حصول به ایده‌آنها و آرمانها به سادگی امکانپذیر نیست و برای آن بخشی از این ایده که دست‌یافتنی‌ترند، نیاز به شناخت و تحلیلهای وسیعتری از مجموعه عوامل اثرگذار بر تغییر و تحول جمعیتی وجود دارد. به امید آن که تجربیات به دست آمده چراغ راه سومین کنفرانس سال جهانی جمعیت باشد که در مهرماه ۱۳۷۲ در قاهره برپا شد.

پس از این سیرگذرا از جمعیت‌شناسی و چگونگی پیدایش و توسعه آن، شاید بتوان با حفظ چهارچوب کلی و تعریف داده شده از سوی دفتر جمعیت‌شناسی سازمان ملل، با افزودن نقطه نظرهای تحلیلی و کاربردی به بسط تعریف و موضوع آن پرداخت و جمعیت‌شناسی را دانشی دانست که به مطالعه علمی جمعیت‌های انسانی می‌پردازد و این مطالعه را از شناخت تعداد آن آغاز می‌کند که کاملاً جنبه کمی دارد و سپس چگونگی توزیع جمعیت را در نظر قرار می‌دهد و این توزیع را، هم از جنبه جغرافیایی و هم از نظر مشخصه‌های توصیفی دیگری چون تعلق قومی، نژادی، فرهنگی و گروه‌بندیهای خاص توسعه‌ای و سکونتگاهی دنبال می‌کند. بحث از ساختارهای جمعیتی و عوامل تشکیل دهنده و اثرگذار بر آنها، بخش دیگری از موضوع جمعیت‌شناسی را تشکیل می‌دهد. تفاوت در ساختارهای جمعیت و گوناگونی آنها عوامل تغییردهنده ساختارهای جمعیتی را مطرح می‌سازد و از آن طریق بخش وسیعی از موضوع جمعیت‌شناسی را به مطالعه و بررسی تغییر و تحول جمعیتها اختصاص می‌دهد. در این قلمرو بررسی ویژگیهای اجتماعی مؤثر بر تغییر و تحول جمعیتها اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این مطالعات سرانجام به کشف ضوابط و قوانین حاکم بر تغییر و تحول جمعیتها منتهی می‌شود و از آن به موضوع جدیدتری دست می‌یابد که همان پیشبینیهای جمعیتی است. گرچه در این بخش، جمعیت‌شناسی، بیشتر به آینده نظر دارد و به عبارت

دیگر، به آینده‌نگری می‌پردازد لکن بر همان اساس می‌تواند گذشته را نیز بازسازی کند و با پیوند زدن بین گذشته و آینده، روند تحول جمعیتها را به دست آورد. از بررسی این روندها قواعد و قوانین جدیدی را کشف کند. مطالعات و بررسیهای جمعیتی را تحت نظم و مدلهای مختلف درآورد و از آنها در شناخت چگونگی پیشبینیهای جمعیتی و افزایش دقت آنها استفاده کند. از این مرحله به بعد جمعیت‌شناسی بیشتر جنبه کاربردی می‌یابد و به ابزار ارزشمندی در برنامه‌ریزیهای اجتماعی تبدیل می‌شود و دوباره در چرخه بالندگی و توسعه و ابداع روشها و فنون جدیدتری قرار می‌گیرد.

این علم، در سیر موضوعی خود، با حفظ کمی‌نگری خاص خویش به تدریج به جنبه‌های کیفی موضوعات جمعیتی نیز می‌پردازد و هرچه در این راه بیشتر گام بردارد و با پیچیدگیهای مربوط به تغییر و تحول جمعیتهای انسانی آشناتر شود، توجه به جنبه‌های کیفی در مطالعات جمعیتی جلوه‌های بارزتری می‌یابد و معنا و مفهوم روشنتری به بستر کمی‌نگری جمعیت‌شناسی می‌بخشد.

روشهای تحلیل جمعیت، ابراز شناخت دقیقتر پدیده‌های جمعیتی است و در این راه بیش از سایر دانشها، از منطق و ریاضی کمک می‌گیرد، ابعاد مختلف پدیده‌های جمعیتی را می‌شکافد و با توجه به طبیعت هر یک، چگونگی مطالعه و نتیجه‌گیری از آنها را می‌آموزد و بسط اندیشه‌های جمعیت‌شناختی را در مقیاس وسیعتری فراهم می‌سازد.

توسعه ابزارهای تحلیلی و افزایش دقت آنها نقش مهمی حتی در تعریف و شناخت موضوعهای جمعیت‌شناسی بازی کرده است، چه بینشهای نظری و تئوریهای جمعیت‌شناختی همزمان با آنها تکوین و گسترش نیافتند تا بتوانند به تعریف دقیقتر موضوع جمعیت‌شناسی و قلمروهای مطالعاتی آن پردازند. به همین دلیل موضوع این علم بیش از هر چیز از چگونگی استفاده از فنون و روشهای تحلیلی (کاربردی‌تر شدن) آن در قلمرو دانشهای دیگر شکل گرفت و همین امر خود، ابهاماتی را نیز در تعریف دقیقتر و خالصتر موضوع آن پیش آورد به گونه‌ای که با مراجعه به تعریف داده شده از سوی قسمت جمعیت‌شناسی سازمان ملل به این علم، معلوم نیست که نگرش کمی به رویدادهای جمعیتی تا کجا می‌تواند ادامه یابد و چگونه می‌توان پدیده‌هایی را که عوامل کیفی در تغییر و تحول آنها نقش عمده‌ای بازی می‌کنند تنها به دیده کمی نگریست و ابهامات چنین نگرشی را نادیده گرفت. به عنوان مثال زمانی که بحث از ساخت جمعیت به میان می‌آید آیا می‌توان آن را فقط فرآورده‌ای کمی از مؤلفه‌های سن و جنس به حساب آورد و یا باید ابعاد دیگری چون جنبه‌های حیاتی، ملیت، نژاد، رنگ پوست، زبان، مذهب، سواد و تخصص، شغل و چگونگی مشارکت در فعالیت و... را نیز از جمله عوامل اثرگذار بر آن محسوب داشت. بدیهی است چون افزایش

دقت مطالعات جمعیتی حتی از دید کمی نیز توجه به این مؤلفه‌ها را اجتناب‌ناپذیر نمی‌سازد به ناچار باید از ساده‌نگری کمی در بحث مربوط به ساخت جمعیت فراتر رفت و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن را در نظر قرار داد و با دید بازتری به ابعاد کیفی آنها پرداخت. همین نکته را می‌توان در مورد ویژگیهای کلی جمعیت نیز در سطوح وسیعتر و متنوعتری مطرح ساخت که در تعریف سازمان ملل از جمعیت شناسی به اشاره‌ای گذرا از آن نام برده شده است.



پانوش

- 1) Henry Louis, *demographie, analyse et modeles*, Larousse, Paris. 1972.
- ۲) حبیب‌الله زنجانی و دیگران «لغتنامه جمعیت شناسی» انتشارات شماره ۱۵۱۸ دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- 3) Pressat, Roland, *demographie Statistique*, PUF, Paris, 1973
- 4) Pressat, Rolland, *The Dictionary of Demography*, Edited by Christopher Wilson, 1985
- 5) Pierre Georges, *Population et Peuplement*, Collection SUP, Paris, 1972.
- ۶) مهدی ثریا، جمعیت از دیدگاه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران شماره ۶، خردادماه ۱۳۶۰ به نقل از:
- Polgar Steven, «*population History and Population Policies from an Anthropological Perspective*», 1972.
- 7) Report of the International Conference On Population, 1984, Mexico City, E/Conf. 76/19, UN, New - York, 1984.
- 8) H. Gerard et G.Wunsch, *Comprendre la demographie*, Marabout universite, 1973.